نشست نقد و بررسی «احیای علوم سیاسی»، آخرین کتاب حسین بشیریه

بحران علوم سیاسی

یک سال پس از انتشار آخرین کتاب حسین بشیریه، نشست نقد و بررسی آن با همکاری روزنامه فرهیختگان و با حضور اساتید آقایان سیدصادق حقیقت، محمد پزشکی، شریف لک‌زایی و محسن مهاجرنیا، در پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی دانشگاه باقرالعلوم برگزار شد. مشروح این نشست را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

جماربزاد: در باب کتاب اخیر آقای دکتر بشیریه تحت عنوان «احیای علوم سیاسی»: گفتاری در پیشه سیاست گری» قصد داریم درباره آسیب‌شناسی دانش سیاسی در ایران صحبت کنیم. این کتاب از دو جهت واجد اهمیت است؛ یکی شخص دکتر بشیریه که طی دوره‌ای، اگرنه برجسته‌ترین که یکی از برجسته‌ترین افرادی بودند که توانستند علوم سیاسی مدرن را در گستره بسط‌ورسیعی در ایران صورت‌بندی کنند و طیفی از اندیشه سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و مسائل مربوط به ایران از قبیل توسعه سیاسی ایران، دموکراسی و... در کارهای ایشان مطرح شده است. دومین جهت اهمیت کتاب «احیای علوم سیاسی» هم همان آسیب‌شناسی مسائل سیاسی در ایران است که کتاب به‌طور جدی به آن پرداخته است. البته این نکته آن‌طور که باید و شاید مورد اقبال مراکز رسمی سیاسی ایران قرار نگرفت و به یک معنا شاید بتوان گفت بایکوت یا سانسور شد؛ خاصه مورد اقبال قرار نگرفت. دکتر بشیریه در این کتاب آنچه را که تحت عنوان سیاست‌زدایی از دانش سیاسی می‌نامد، نقد کرده و مقصر راهم «سیطره دانش اثباتی» می‌داند. بشیریه به تعبیر خودش در این کتاب، تلاش می‌کند که سیاست گری و در واقع حکمت عملی را احیا کند و در پی سیاست به‌مثابه تدبیر و برای تغییر است. معتقدم هنوز هم‌رگ‌های قدرتمندی از سیطره پوزیتیویسم و اثباتیت گرایی در علوم سیاسی ایران هست اما حداقل در اظهارنظرها، این نوع واجد قدرت که دانش سیاست در ایران دچار نوعی بحران یا آسیب یا ساله است و در این وضعیت بغرنج معمولا یک توافق عقلانی هست و شاهد این امر هم آن است که به دانشجوی علوم سیاسی انتظار خیلی زیادی از خود نسبت به گره‌گشایی مسائل اساسی جامعه و سیاست دارد و نه جامعه کنونی انتظاری از او دارد.

سوال این است که شما استادان محترم چقدر با آقای دکتر بشیریه هم‌نواهستید که دلیلش سیطره اثبات گرایی بوده؟ یا برخی هم البته معتقدند مسائله بحران‌های جهانی است یعنی بحران علم و از جمله علوم سیاسی و معتقدند که اصولا سیاست در جهان جدید یک امر تاریخی است و آنچه آقای دکتر بشیریه می‌گویند که سیاست باید به‌مثابه تدبیر با تغییر باشد گرهی را باز نمی‌کند. شاهدش هم این است که ضعف وقتوری که در جهان ایجاد شده به بی‌عملی سیاستمداران یا معطوف‌نبودن سیاست به عمل، تغییر و تدبیر مربوط نیست و اکنون در دنیا روزانه سیاستمداران دارند تصمیم‌گیری و تدبیر می‌کنند و تغییر ایجاد می‌کنند. آن هم مبتنی بر همین دانش سیاست فعلی، منتها این از جمله علم سیاست در جهان جدید، ناشی از عدم فهم صحیح تاریخی از مساله سیاست و دانش سیاسی است، ضمن اینکه نباید دانش سیاسی با امر سیاسی خلط شود.

تلقی‌های دیگری هم از این مساله وجود دارد از جمله تلقی‌های مساله را حل کنند، یعنی سهم عوامل درونی در بحران علوم سیاسی به مراتب بیشتر از جمله‌هایی است که از بیرون به این دانش وارد می‌شود و حتی با بازگشت به «حکمت سیاسی دیرین» و «حکمت عملی» که آقای دکتر بشیریه پیشنهاد می‌دهد هم نمی‌تواند به سیاستی دست پیدا کنیم که بتواند گرهی از کار ما باز کند و وعده‌هایی را که دانش سیاست داده محقق کند و اصولا چنین چیزی فراسوی طاقت دانش سیاست است. با این وارد می‌شویم تا چهار مساله را حل کنیم؛